

نکات دیگری
در
باره
قانون
جلوگیری از تصرف عدوانی

علی اکبر یلفانی
قاضی دادگستری
آبادان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چندی قبل مقاله جالبی درباره جلوگیری از تصرف عدوانی مصوب سالهای ۱۳۰۹ و ۱۳۳۹ از طرف همکار محترم آقای مهتدی در شماره ۱۰۳ مجله کانون و کلاو اخیراً نیز در شماره ۲۴ مجله حقوق امروز بچاپ رسیده بود که در آن به بسیاری از نکات قابل بحث قانون مزبور اشاره شده است.

در بررسی بیشتر قانون جلوگیری از تصرف عدوانی، در طول جریان اجرای آن می توان بنکات قابل بحث دیگری نیز بشرح زیر پی برد:

مدت اعتبار احکام تصرف عدوانی. آنچه از مفاد ذیل ماده ۲ قانون مزبور برمی آید، این است که این گونه احکام بایست پس از ابلاغ

بخواننده بلافاصله بموقع اجرا گذاشته شود و از فاسفده و مبان‌نی وضع قانون نیز این استنباط تأیید می‌شود.

اما در عمل بسیار اتفاق می‌افتد که اجرای حکم صادره بعلل گوناگون بتأخیر می‌افتد. حتی پرونده‌هایی دیده شده که اجرای حکم آنها چندینی سال معوق مانده و پس از مدت مذکور تقاضای اجرای آنرا نموده‌اند. در این قبیل موارد نیز تکلیف قضیه صریحاً معلوم نیست، چه از يك طرف اجرای حکم تصرف عدوانی پس از گذشت چندین سال مخصوصاً در موردی که این تأخیر در نتیجه عمل خود خواهان باشد، باطبع و ماهیت این قبیل دعاوی مناسبت ندارد و از طرفی برای عدم قبول آن نیز مستند و مجوز قانونی موجود نیست. نظریه مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری که طی شماره ۴۶/۹/۲۷-۷/۶۴۰۱ در این مورد صادر شده، از این قرار است:

« اجرای احکام مدنی و همچنین حکم رفع تصرف عدوانی که از دادسرا صادر می‌شود، محدود به مدت نمی‌باشد، مگر در مورد ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی که از موارد استثنایی است. بنابراین اگر حکم رفع تصرف عدوانی از دادسرا صادر شده باشد و محکوم له بعد از مدت چهار یا ۵ سال اجرای آنرا تقاضا نماید، باید حسب تقاضای محکوم له اقدام با اجرای حکم گردد. ماده ۲ قانون جلوگیری از تصرف عدوانی دایر بر اینکه حکم رفع تصرف عدوانی بلا اجرا می‌شود، از نظر حفظ انتظامات عمومی و برای تسریع در احقاق حق شاکی عدوانی است و اگر شاکی در مورد تقاضای اجرای حکم تأخیر نماید، تأخیر در تقاضای اجرا خللی بحکم از لحاظ قابلیت اجرای آن وارد نمی‌سازد.»

در قسمت ماده ۷ قانون نیز در هنگام عمل مشکلات زیر مطرح است:

احراز امانی بودن مورد دعوی. در این مورد ناوقتی که بمسئند دعوی ایراد و اعتراضی نشده، اشکالی وجود ندارد و رسیدگی بی مانع است. اما مواردی پیش می آید که مسئولان از طرف خواننده مورد ایراد قرار می گیرند، مثلاً تکذیب و یا نسبت بآن اعلام جعل می شود. در این قبیل موارد عده ای را عقیده بر این است که چون دادسرا نمی تواند وارد ماهیت دعوی و دلایل شود، لذا بایست مبادرت بصدور قرار عدم صلاحیت بصلاحیت مراجع حقوقی نماید.

بعقیده اینجانب باتوجه باینکه قانون امانی بدون مورد دعوی را یکی از جهات امکان عدوانی شدن تصرف شناخته، دادسرا می تواند تا حدود احراز این مسئله، یعنی امانی بودن یا نبودن مورد دعوی، وارد در ماهیت دلایل دعوی شود. از این جهت می تواند برای رسیدگی بصحت و اصالت مسئولان اقداماتی از قبیل صدور قرار ارجاع بکارشناس و تحقیق از مسجلین و غیره مضمن صدور قرار رسیدگی بصالت مسئولان انجام دهد. مسئله دیگری که در جریان اجرای ماده ۷ جلب نظر می کند، موضوع **انقضای مهلت يك ماهه** مقرر در ماده ۲ پس از ابلاغ اظهار نامه و تأثیر یا عدم تأثیر آن در طرح مجدد دعواست. بدین توضیح که مطابق ذیل ماده ۷ «سایر اشخاص که مانع دیگری را بطور امانی متصرف باشند، پنج روز پس از اخطار و عدم تخلیه و رفع ید متصرف عدوانی محسوب خواهند شد...» بنابراین مهلت يك ماهه طرح دعوی که در ماده ۲ مقرر است، از تاریخ انقضای ۵ روز فوق شروع می شود.

حال اگر خواهانی دعوی خود را پس از انقضای مهلت فوق در دادسرا طرح کرد و این دعوی مطابق ماده ۲ رد شد، آیا می تواند با ابلاغ اظهار نامه جدیدی از مهلت جدیدی استفاده و مجدداً طرح دعوی نماید یا خیر؟ در این مورد هم قانون ساکت است، تعیین تکلیفی نشده و نظریه اداره حقوقی هم که ذیل شماره ۷/۶۶۳۲-۲۵/۱۰/۴۷ در این باره صادر

شده ، جهت علاقه مندان درج می شود :

« بموجب قانون تصرف عدوانی مصوب ۱۳۰۹ هـ گاه
امین از تخلیه محل خودداری نماید، به او اخطار (اظهار-
نامه) پنج روزه می شود و هر گاه در موعد مقرر محل را تخلیه
ننماید ، طبق همان قانون مالك می تواند ظرف يك ماه
عرضحال رفع تصرف عدوانی بدادسرا بدهد . با توجه به
اینکه در مهلت اولیه و عدم تخلیه تصرف عدوانی محرز و
مسلم گردیده، هر گاه يك ماه مقرر منقضی گردد، موضوع
از صلاحیت دادسرای شهرستان خارج می گردد و متقاضی
می تواند بداد گاه بخش رجوع کند.»

مسئله مهم دیگر در تصرف عدوانی دادسرا طرح دعوی بطرفیت شريك
است. مطابق آنچه که از قوانین تصرف عدوانی استنباط می شود و آنچه که شعب
دیوان عالی کشور اظهار نظر نموده اند ، «در مورد دعوی تصرف عدوانی داد گاه
بایستی با احراز سبق تصرف خواهان و تصرف عدوانی خواننده در مدتی که قانون
مقرر داشته، حکم مقتضی صادر نماید . بنابراین اگر حکم داد گاه مطلقاً باین دو
موضوع اشعاری نداشته باشد و ... چنین حکمی قانونی نخواهد بود» (۱).

تصور مسئله در مورد غیر شريك روشن است . اما در مورد شريك کار باین
آسانی نیست . فرض کنیم دو نفر در يك یا چند مغازه بشراکت بکار و کسب اشتغال
دارند . سپس یکی از آنها شبانه يك یا همه مغازه ها را تصرف عدوانی نموده و
از روز بعد شريك خود را از کسب و کار در داخل مغازه یا مغازه ها محروم سازد.
در این فرض صورت قضیه از لحاظ دورکن اصلی دعوی چگونه است ؟ خواهان
دارای سبق تصرف بوده و این معنی روشن است . اما خواننده ، آیا تصرفات جدید

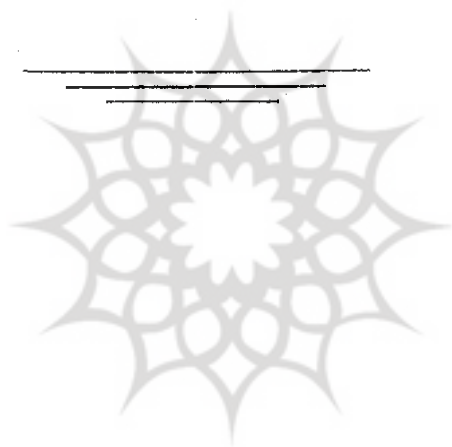
(۱) حکم شماره ۳۸۸-۱۴/۳/۳۴ شعبه ۶ .

وی عدوانی است؟ در اینجا مطلب محتاج بتأمل بیشتری است. خواننده قبلاهم در محل مورد دعوی متصرف بوده، در آنجا بکسب و کار اشتغال داشته و حالا هم بهمان کار مشغول است، نهایت فرق قضیه این است که در سابق هر دو نفر با هم مشغول کار بودند و اما حالا خواننده متصرف محل است.

در اینجا اگر بخواهیم صورت ظاهر قانون و آرا را اجرا کنیم، بایست چنین استدلال کنیم که چون رکن حقوق تصرف عدوانی ثابت نیست، لذا دعوی تصرف عدوانی وارد نبوده و برد دعوی و بصلاحت رسیدگی مراجع حقوقی اظهار نظر نماییم. اما اگر **حقیقت قضیه و مبانی اجتماعی فلسفه وضع قانون تصرف عدوانی** را در نظر بگیریم، متوجه می شویم که مسئله از هر لحاظ قابل رسیدگی است، چه از لحاظ رکن تصرف عدوانی که در واقع در اینجا بصورت توسعه تصرف خواننده بنحو انحصاری و اختصاص تحقق یافته و چه از لحاظ مقصود نهایی قانونگذار که مقصودش در وضع قانون، حفظ انتظامات عمومی بصورت اعاده وضع بصورت سابق می باشد؛ چه آنچه بیشتر نظم عمومی را از این لحاظ مختل می کند، همان تغییرات قهری و عدوانی در وضع تصرفات خود بضرر دیگری است که با اعاده وضع بحال سابق این نظم مجدداً برقرار می شود. بنابراین رسیدگی دعوی تصرف عدوانی بطرفیت شریک، اعم از اینکه مورد تصرف تمام یا قسمتی از مورد دعوی باشد، قابل تصور و عمل است.

مطلب دیگری که ذکر آن در بحث تصرف عدوانی دادسرا خالی از فایده نیست، موضوع تصرف عدوانی و مزاحمت در مورد اموال منقول است که رسیدگی به آنها در صلاحیت مأمورین انتظامی و در صورت نبودن آنها فرماندار و بخشدار محل می باشد. آنچه که از عبارت قانون در این باره استفاده می شود، این است که این تصرف و مزاحمت بایست **حالت** داشته و در حال تحقق و وقوع باشد و الا در صورتی که تصرف عدوانی صورت گرفته و مدتی هم از آن گذشته باشد، اقدام

مأمورین صورت قانونی ندارد. چه عبارت قانون صریح است که در هر مورد که کسی مال منقولی را «از تصرف متصرف بدون رضایت او خارج می نماید یا مزاحم استفاده متصرف می شود»، مأمورین مکلف هستند از مزاحمت و اقداماتی که برای تصرف عدوانی می شود، جلوگیری نمایند؛ که مخصوصاً صورت مضارع کلمات «می شود» مفید همین معناست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی